

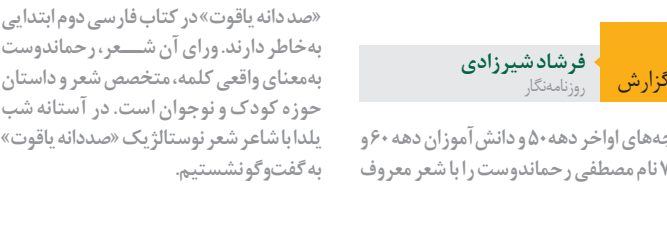


گفت‌وگوی یلدایی با

مصطفی رحماندوست؛ «شاعر صدانه یاقوت»

بچه‌ها باید با کتاب بازی کنند

نظر شاعر کودکان درباره‌انیمیشن‌های «روح» و «موش سر آشپز»



بچه‌های اواخر دهه ۵۰ و دانش‌آموزان دهه ۶۰ تا ۷۰م مصطفی رحماندوست را با شعر معروف

موضوعیت دارد و هم به اقتصاد کتاب توجه ویژه‌ای دارد. آدم‌های پس از من هم چنین آدم‌های هنرمندی بوده‌اند. من کتاب‌های بسیاری از کسانی خوانده‌ام که چند نسل پس از من به عرصه آمدند... حال چه شاعر و چه نویسنده. اما درباره‌انیمیشن‌ها مانند «روح» باید بگویم که اتفاقاً با نوه‌هایم با اشتیاق می‌نشینم و نگاه می‌کنم یا «موش سرآشپز» که اشاره کردید اسکار گرفته. دخترم این انیمیشن‌ها را با فراست انتخاب می‌کند و در ساعات مشخصی از روز به بچه‌هایش اجازه می‌دهد این انیمیشن‌ها را ببینند. اما فکر نمی‌کنم که مادر ایران از هر حیث امکانات، نرم‌افزار، سخت‌افزار و نیروی انسانی هنرمند کم داشته باشیم که نتوانیم با جهان رقابت کنیم. مطمئناً کم می‌توانیم اما سامان می‌خواهد.

ساخت انیمیشن می‌تواند پیشنهادی باشد برای رونق وضع دوسویه کتاب-انیمیشن آن هم در شرایط موجود تا بچه‌ها ترغیب شوند کتاب یک انیمیشن پر فروش را بخوانند یا در کنارش آثار قدر اول دیگر را دنبال کنند؟

این روزها از حوزه فیلم و انیمیشن قدری دور افتاده‌ام و شاید به همین دلیل نتوانم جزئی‌نگرانه و دقیق در این مورد نظر منسجم بدهم. مسأله‌های متعددی به همین موضوعاتی که الان روی آنها دست گذاشته‌اید فکر می‌کردم. ذهن مشغول بود. این روزها بیشتر معطوف بر این موضوعم که روی پروژه‌هایم که دارم کار کنم و به بهترین شکل و با همه انرژی تلاش کنم تا اگر عمری باقی باشد آنها را به سرانجام برسانم. ذهن‌ها فعالیت نمی‌کنند و هر ساله هم می‌توانم با اهداف چندسویه و چندین ساحتی‌مان برسیم. بحث‌های سیاسی و غیرسیاسی همه‌جاسر جای خودش باقی است. حتی پدر و مادرها هم برای بچه‌هایشان فیلترشکن نصب می‌کنند! این در مجموع به‌دلیل فقر فرهنگی ماست.

یعنی از نظر شما به‌عنوان

نویسنده کودک و نوجوان گسترش بازی‌های رایانه‌ای و کتاب‌های تعاملی هیچ اشکال و ایرادی ندارد؟
چه اشکالی دارد که بچه در زمان‌های مشخصی و در محدوده خاصی از همه این امکانات بهره‌برد و سرگرم شود و به نواحسن از آنها لذت ببرد؟

به فستیوال‌ها اشاره کردید. میان نسلی که از شما جوان‌ترند مانند فرهاد حسن‌زاده و... که در جشنواره‌های مختلف یا جایزه گرفته‌اند یا نامزد شده‌اند و تا پای فینال پیش رفته‌اند، مجموعه فعالیتشان را چگونه پیگیری و رصد می‌کنید و نظر شخصی شما درباره این نویسندگان و شاعران حوزه کودک و نوجوان چیست؟ مشخصاً نگاهتان به انیمیشن‌هایی مثل «روح» یا «موش سر آشپز» که دومی بیش از یک دهه پیش اسکار گرفت و از این جنس انیمیشن‌های آموزشی، برای ترغیب بچه‌ها به مطالعه چیست؟ معمولاً این انیمیشن‌ها فیلم‌نامه منسجمی هم دارند که از قضا همان طور که تلویحا اشاره کردید جذابیت‌های چندسویه هم دارند.

الحمدلله نسل پس از ما خیلی بهتر کار می‌کند. نسل بعد از ما هم کتاب در ذهن و زبانشان



که صحبت می‌کند بیشتر حواشش به جاهای دیگر است و می‌خواهد سریع پا به فرار بگذارد. ما در زمان جنگ وضع بسیار بدی داشتیم. به‌معنای واقعی فقیر بودیم. برای نان، شکر، پوشک بچه، شیر و شیر خشک باید در صف می‌ایستادیم اما ۴هزار تومان. افرادی را سراغ دارم که به تازگی همان کتاب را به قیمت ۸هزار تومان خریده‌اند! یعنی از سال ۱۴۰۰ تا به امروز قیمتش ۴برابر شده! با همه اینها شاید جالب باشد، برایان تعریف کنم که مسئول یک نهاد دولتی به تازگی برایم یک CD فرستاده و با افتخار نوشته که چند شعر شما در این CD هست! آن مدیر اصلاً غافل است و نمی‌داند که کسی امروز از CD استفاده نمی‌کند. او هنوز درنیافته که دیگر CD منسوخ شده و متأسفانه هنوز در ۲دهه قبل به سر می‌بردان شخص یا از همه امکانات اختراعاتی پس از CD بی‌خبر است یا خودش را به نادانستگی زده. در این اوضاع نمی‌توان فکری برای کتاب‌های تعاملی کرد. درحالی‌که قبل از این اوضاع، ما کتاب‌بازی را در جامعه خودمان شروع کرده بودیم. پیش از اینکه جهان به این فکر بیفتد ما پیش‌زمینه‌هایی برای کتاب‌های تعاملی چتهاگی داشتیم. منظورم کتاب‌هایی است که بچه‌ها با آنها بازی می‌کردند.

کتاب‌های تعاملی در دنیا؛ یادگست، ویدئو، بازی‌های رایانه‌ای، انیمیشن‌ها و هر آنچه با کتاب ترکیب می‌شود تا سال ۲۰۲۰ سود بالایی را به جیب ناشران سرازیر می‌کند. سهم ناشر ایرانی در این بین چیست و چه سرما به‌گذاری‌ای برای ۷سال آینده کرده‌اند؟ ما نگاهی به آینده داریم؟

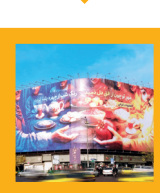
خیر! اگر هم باشد خیلی کم و کم‌رنگ است. اغلب ناشران در بدو امر فکر می‌کنند که برای رشد اقتصادی پولی به تولیدکننده ندهند. کتاب خارجی را بگیرد و بدون پرداختن کپی‌رایت ترجمه و به نقاشی‌های موجود در کتاب هم بسنده و کتاب را سریع چاپ و وارد بازار کند! نخستین قدم بزرگ که در این راه باید برداریم، این است که عضو کپی‌رایت شویم. وقتی عضو کپی‌رایت شدیم، تازه جلوی اجحاف به پدیدآورنده داخلی گرفته می‌شود. کتابت من به ترکی استانبولی ترجمه شد و من برای رونمایی به استانبول رفتم. ناشر حرف‌های و مهربانی امده بود تا کتاب غریبه‌ای را به من بدهد و می‌گفت من دست و پایم می‌لرزد و حرفش را از نژدین من نمی‌خواهم با شما قهرآرداد بدمد و هیچ جا عنوان نکند! تا وقتی که کتاب چاپ نشود! گفتم برای چه؟ گفت چون شما عضو کپی‌رایت نیستید و اگر یکی بفهمد که من آن کتاب‌ها را به واسطه شما ترجمه کرده‌ام و در ایران هم چاپ رسانده‌ام حتماً آنها هم چاپ می‌کنند و بازار مرا هم می‌برند.

به خاطر این موضوع ما همواره ضرر می‌کنیم. از الان هم چنین طرح‌هایی موجود است. هنوز هم مؤسسات مختلف روی همین بازی با انگلستان کار می‌کنند. اخیراً ناشری کیوارک روی جعبه‌ای قرار داده و عروسک‌های انگشتی را هم روی آنها قرار داده و می‌گوید با آنها بازی کنید و این همان کتاب‌بازی است. امروز کتابخانه‌ام را بررسی می‌کردم، به ذهنم رسید

کتاب‌های ۲ و ۳نفره بودم. چند جلد از این کتاب‌ها هم چاپ شد. اینکه ۲ یا ۳ بچه آنها را با هم بخوانند. اینها جملگی مقدمه کتاب تعاملی است. اگر آن راه را دنبال می‌کردیم امروز احساس نمی‌کردیم که در زمینه کتاب‌های تعاملی از جهان عقب افتاده‌ایم. اما باید برای یک ناشر هم صرف کند که کتاب ۲ و ۳ نفره چاپ یا روی کتاب عروسکی سرمایه‌گذاری کند. اما آنها میلی ندارند که در وضع کتاب‌های تعاملی نقشی داشته باشند و پنا به همین سلسله دلایل به همان شکل کلاسیک و سنتی پیش می‌رویم.

در زمینه کتب سنتی و دیجیتال هم هنوز بسیاری از کتاب‌ها در دست صوتی نشده‌اند یا پر از اغلاط لفظی هستند. یادم است که سال ۱۳۹۴ در نمایشگاه کتاب تهران عنوان کردید که قسار بود با محمود دولت‌آبادی، داستان نویسی و رمان نویسی پیشکسوت به سفری بروید. می‌خواستید کتاب صوتی «کلیدر» را پیدا کنید و با اما و اگر آن را یاقفید و گوش کردید. این در حالی است که در دوران کودکی ما انواع و اقسام کاست‌های قصه در بازار موجود بود و این نوارها بین بچه‌ها رد و بدل می‌شد. بله، البته از جمله کتاب‌های خودم که مکتوبش هست، صوتی‌اش هم موجود است. بسیاری داشتیم که باید طی می‌کردیم. آن زمان البته هنوز «کلیدر» به شکل صوتی منتشر نشده بود و در حال تولید بود. کلیدر دومین یا سومین رمان بزرگ جهان است. همواره تم می‌لرزید

وینترین



رونمایی از دیوارنگاره شب یلدا

همزمان با فرارسیدن شب یلدا، طولانی‌ترین شب سال که به شش‌چله هم نزد ایرانیان معروف است، جدیدترین دیوارنگاره میدان انقلاب اسلامی با طرحی برگرفته از آداب و رسوم بلندترین شب سال و دوره‌می خانواده ایرانی اکران شد. در این طرح بیت «مهر تو چون از افق دل دمید / رنگ شب از چهره یلدا پرید» هاشنگ خانواده ایرانی‌نقش بسته‌است.



رونمایی از تمبر جشنواره قصه‌گویی

در جشنواره بین‌المللی قصه‌گویی از تمبر یادبود ربع قرن برگزاری جشنواره قصه‌گویی ایران رونمایی خواهد شد. برای این منظور هماهنگی‌های لازم با اداره پست صورت گرفته است و طرح آن شامل پوستر جشنواره بیست‌وپنجمین جشنواره و تلفیقی از عنوان جشنواره با تصویر بزرگ فرار از شب یلدا، بدون شک توجه دوباره به احیای قصه‌گویی در میان والدین و فرزندان تأثیرات مثبت بسیاری خواهد داشت. واقعیت آن است که این روزها خانواده‌ها در شرایط عادی و در طول سال معمولاً فرصتی برای پرداختن به یکی از بزرگ‌ترین میراث فرهنگی ایرانیان که همان قصه‌گویی و قصه‌خوانی در جمع خانواده است ندارند و بیشتر ترجیح می‌دهند با کتاب‌های صوتی و یا انیمیشن‌های مختلف این شرف کنندگان در مرحله پایانی جشنواره قصه‌گویی هدیه‌داده خواهند شد

برای ما ایرانیان است و قصه‌گویی در این شب از برنامده‌های زیبا و فرهنگی در خانواده‌های ایرانی محسوب می‌شود و در واقع نوعی ارزش فرهنگی است. قصه‌گویی با پیشینه فرهنگی ما ایرانیان، ارتباط تنگاتنگی دارد، تاریخ شفاهی ایرانیان از قدیم‌الایام تا زمان حال، سینه به سینه و نسل به نسل به ما رسیده و قصه‌ها روایتگر افسانه‌ها، حکایت‌های پر از اسطوره و پهلوان‌ها و اتفاقات پر از هیجان هستند. برای همین در شب قصه‌گویی اهمیت زیادی دارد، با قصه‌گویی احساس‌ها و اندیشه‌ها به یکدیگر نزدیک می‌شوند، کنار یکدیگر بودن‌ها و کنار هم نشستن‌ها دل‌ها را گرم می‌کند. در این میان، با قصه‌ها، دفتر یونسکو در مجموعه اسعدآباد برگزار شد، ضراحی در این مراسم گفت: یلدا ثبت جهانی شده و این آیین متعلق به تمام مردم دیاست. یلدا در آیین ۷ هزارساله دارد و از سنت‌های پاک و شبنمینی‌ها هر کس که قصه‌گویی داشت در آن شب می‌توانست قصه بگوید و همه‌ها چقدر مشتاق بودیم برای شنیدن قصه‌ها و آن اشتیاق باعث می‌شد برخی از اعضای خانواده‌ها سنت مهم و فرهنگی قصه‌گویی را به‌عنوان یک رویکرد فرهنگی مؤثر در انتقال آموزه‌های تربیتی در پیش بگیرند و گاهی به‌عنوان یک قصه‌گو، فراتر از محیط خانواده در گروه‌های اجتماعی فعال باشند. واقعیت آن است که قصه‌ها هیچ وقت تاریخاً نقضا ندارند و در هر زمانی کارهای خوب مثل ایثار، کمک کردن به دیگران و راستگویی مصداق اخلاق خوب بوده و در حال حاضر هم در قصه‌هایمان اگر این مصادیق را داشته باشیم، خوب است. دروغگویی، غیبت، تمهت، ظلم کردن فقط تا بد بوده و در این زمان قبیح است. کودکان از قصه‌ها یسادم می‌گیرند و خود را جای شخصیت‌های آن قصه قرار می‌دهند، در نتیجه خیلی راحت از این طریق درس‌های بزرگی به کودکی یاد داده می‌شود و فرهنگ‌ها به این روش منتقل می‌شود. اغلب کودکان با شنیدن قصه، خود را به جای شخصیت‌های مثبت آن داستان قرار داده و دوست دارند حرف‌ها و رفتارهای آن را موسیقی، برای‌نی‌نمایشگاه، اجرای نمایش و... از جمله بخش‌های این ویژه برنامه هستند. خانه هنرمندان ایران، «یلداي خرمروز» را با همکاری ایگوم، خانه سینما، خانه تئاتر، خانه موسیقی، خانه هنرمندان نقاش ایران و انجمن هنرمندان مجسمه‌ساز ایران، انجمن طراحان گرافیک ایران، انجمن خوشنویسان ایران، انجمن تصویرگران ایران، انجمن عکاسان ایران، انجمن هنرمندان سفال‌سرامیک، جامعه مهندسان معمار

سابقه ۷ هزار ساله یلدا در فرهنگ ایرانی

مراسم شب یلدا با محوریت سیدعزت‌الله ضراحی، وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و همکاری مجموعه فرهنگی-تاریخی مجموعه و مؤسسه مهرگان فرهنگ و دفتر یونسکو در مجموعه اسعدآباد برگزار شد.

ضراحی در این مراسم گفت: یلدا ثبت جهانی شده و این آیین متعلق به تمام مردم دیاست. یلدا در آیین ۷ هزارساله دارد و از سنت‌های پاک و شبنمینی‌ها هر کس که قصه‌گویی داشت در آن شب می‌توانست قصه بگوید و همه‌ها چقدر مشتاق بودیم برای شنیدن قصه‌ها و آن اشتیاق باعث می‌شد برخی از اعضای خانواده‌ها سنت مهم و فرهنگی قصه‌گویی را به‌عنوان یک رویکرد فرهنگی مؤثر در انتقال آموزه‌های تربیتی در پیش بگیرند و گاهی به‌عنوان یک قصه‌گو، فراتر از محیط خانواده در گروه‌های اجتماعی فعال باشند. واقعیت آن است که قصه‌ها هیچ وقت تاریخاً نقضا ندارند و در هر زمانی کارهای خوب مثل ایثار، کمک کردن به دیگران و راستگویی مصداق اخلاق خوب بوده و در حال حاضر هم در قصه‌هایمان اگر این مصادیق را داشته باشیم، خوب است. دروغگویی، غیبت، تمهت، ظلم کردن فقط تا بد بوده و در این زمان قبیح است. کودکان از قصه‌ها یسادم می‌گیرند و خود را جای شخصیت‌های آن قصه قرار می‌دهند، در نتیجه خیلی راحت از این طریق درس‌های بزرگی به کودکی یاد داده می‌شود و فرهنگ‌ها به این روش منتقل می‌شود. اغلب کودکان با شنیدن قصه، خود را به جای شخصیت‌های مثبت آن داستان قرار داده و دوست دارند حرف‌ها و رفتارهای آن را موسیقی، برای‌نی‌نمایشگاه، اجرای نمایش و... از جمله بخش‌های این ویژه برنامه هستند. خانه هنرمندان ایران، «یلداي خرمروز» را با همکاری ایگوم، خانه سینما، خانه تئاتر، خانه موسیقی، خانه هنرمندان نقاش ایران و انجمن هنرمندان مجسمه‌ساز ایران، انجمن طراحان گرافیک ایران، انجمن خوشنویسان ایران، انجمن تصویرگران ایران، انجمن عکاسان ایران، انجمن هنرمندان سفال‌سرامیک، جامعه مهندسان معمار



جشن یلدا در خانه هنرمندان برگزار می‌شود

به مناسبت شب یلدا و آغاز فصل زمستان، ویژه برنامه «یلداي خرمروز» در خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود. سخنرانی و نمایش فیلم درباره آیین یلدا و خرمسروز، اجرای موسیقی، برای‌نی‌نمایشگاه، اجرای نمایش و... از جمله بخش‌های این ویژه برنامه هستند. خانه هنرمندان ایران، «یلداي خرمروز» را با همکاری ایگوم، خانه سینما، خانه تئاتر، خانه موسیقی، خانه هنرمندان نقاش ایران و انجمن هنرمندان مجسمه‌ساز ایران، انجمن طراحان گرافیک ایران، انجمن خوشنویسان ایران، انجمن تصویرگران ایران، انجمن عکاسان ایران، انجمن هنرمندان سفال‌سرامیک، جامعه مهندسان معمار

به پروژه‌هایتان اشاره کردید. این روزها چه کار می‌کنید؟ کتابی را هفته پیش به پایان بردم. نخستین کتاب شرم برای بچه‌های کلاس اول است که شامل ۲۶- ۲۵ جلد می‌شود.

که سراغ خواندنش بروم. اما به لطف کتاب صوتی آن را ۲ بار در خودروی شخصی‌ام گوش دادم. امروز اما باید امکانات دیگری داشتمه باشیم که فاقد آنها هستیم. در حال حاضر برای شنیدن جلد کتاب قیمت ۲هزار تومان قید شد. پس از نمایشگاه روی آن برچسب زدند و قیمتش شد ۴هزار تومان. افرادی را سراغ دارم که به تازگی همان کتاب را به قیمت ۸هزار تومان خریده‌اند!

یعنی از سال ۱۴۰۰ تا به امروز قیمتش ۴برابر شده! با همه اینها شاید جالب باشد، برایان تعریف کنم که مسئول یک نهاد دولتی به تازگی برایم یک CD فرستاده و با افتخار نوشته که چند شعر شما در این CD هست! آن مدیر اصلاً غافل است و نمی‌داند که کسی امروز از CD استفاده نمی‌کند. او هنوز درنیافته که دیگر CD منسوخ شده و متأسفانه هنوز در ۲دهه قبل به سر می‌بردان شخص یا از همه امکانات اختراعاتی پس از CD بی‌خبر است یا خودش را به نادانستگی زده. در این اوضاع نمی‌توان فکری برای کتاب‌های تعاملی کرد. درحالی‌که قبل از این اوضاع، ما کتاب‌بازی را در جامعه خودمان شروع کرده بودیم. پیش از اینکه جهان به این فکر بیفتد ما پیش‌زمینه‌هایی برای کتاب‌های تعاملی چتهاگی داشتیم. منظورم کتاب‌هایی است که بچه‌ها با آنها بازی می‌کردند.

زمان جنگ با جمعیت ۳۰ میلیون نفر تیراز کتاب کودک ما ۵۰هزار نسخه بود و امروز با جمعیت ۹۰میلیونی تیراز کتاب کودک در بهترین حالت هزار نسخه شده است.

به تکنیک‌هایی اشاره کردید که ۲۰سال پیش ذهن شما را به خود مشغول می‌کرد. راهکارهای بومی می‌تواند جایگزین و مدلی برای کتاب تعاملی چتهاگی باشد؟ برای اینکه در نهایت ما از جهان عقب نمانیم. فرصت هستست که دوباره به آن تکنیک‌ها رجعت کنیم؟

ما همه‌ی‌چ‌چه نمی‌توانیم نسبت به رشد سریع تکنولوژی بی تفاوت باشیم. آن زمان که ما به‌خود می‌لرزیدیم تا یک انیمیشن بسازیم، سیستم‌های دیجیتال وجود نداشت. الان بچه‌ها در خانه با عکس‌هایی که در اختیار دارند یا با ترکیب نقاشی‌هایی که می‌کشند، انیمیشن می‌سازند. اگر از این امکانات به‌عنوان سرمایه استفاده شود، همچنان امیدواریم که نتوانیم این جای خالی را پر کنیم. خیلی کارها می‌توان کرد اما هر کسی که جز برای، جدا و فقط در محیط محدود مدرسه کار کند، انرژی زیادی را صرف می‌کند و این خطر هم وجود دارد که بچه‌ها به جایی نرسند.

راه‌حل چیست؟

اگر امید در دل مردم رخنه کند، ما آن امیدواری هیچ کاری نشدنی نیست. اول باید چراغ امید را در قلب بچه‌ها روشن کرد که به‌عوامل دیگری ربط دارد. اگر نویسنده‌انگیزه نداشته باشد یا حتی معلم که به واسطه من با بچه‌ها سر و کار دارد و با آنها هم یک کلاس هست، امید نداشته باشد، ما نمی‌توانیم پیش برویم. در کام دوم باید هم‌افزایی شکل بگیرد. در زمان جنگ هر ناشری که می‌خواست کتاب چاپ کند باید اول از نویسنده ۳،۲ کتاب تألیفی چاپ می‌کرد تا کتاب نسوم به‌صورت ترجمه‌ای او به کتابفروشی‌ها راه یابد. اما امروز ناشر فریاد می‌زند که من فقط و با هر عنوانی ترجمه چاپ می‌کنم. نتیجه این می‌شود که فرهنگی که با این کتاب‌ها وارد می‌شود در مجموع مناسب حال ما نیست. دبستگی‌ها را کم‌رنگ می‌کند. باید تک تک و جزئی‌نگرانه زحمت کشید تا همه این موارد را اصلاح کنیم و به‌فکر رشد واقعی فرهنگ توسعه همه‌سویه کتاب کودک باشیم. یکی از عمده‌ترین راه‌های گسترش مطالعه، گسترش قصه‌گویی است. در کشورهای دنیا این کار را کرده‌اند. در این بین رادیو و تلویزیون در کنار آموزش و پرورش نویسنده همراه هم‌قدم می‌شوند تا این اتفاق بیفتد. اگر این سه را کنار هم بگذاریم اتفاق خواهد افتاد اما برنامه‌ریزی می‌خواهد.

روزها چه کار می‌کنید؟ کتابی را هفته پیش به پایان بردم. نخستین کتاب شرم برای بچه‌های کلاس اول است که شامل ۲۶- ۲۵ جلد می‌شود.